

## معرفی و بررسی کتاب

قدیمی جلب می‌کند؟

بمنظر من آنچه که درباره این بررسیها قابل توجه و منحصر بفرد است این است که آنها از چهار مایه اساسی سرشته شده‌اند آنها بررسیهایی حول این چهار موضوع هستند:

۱- شاید موضوع و مایه اصلی همان فروپاشی است.

شالوده‌گرایی کلاسیک (Classical foundationalism)

دهه پیش بعنوان دوره توسعه‌های جدید در شاخه معرفت‌شناسی فلسفی شناخته می‌شود. در میان مهمترین این توسعه‌ها خیزش ماوراء معرفت‌شناسی است. بجای فرو رفتن در آراء معرفت‌شناسی و رشد نظریه‌های معرفت‌شناسی، فیلسوفان با بررسیهای خود و بطور جدی بر شقوق ساختاری قابل دسترس برای آنها در ساختن چنان نظریه‌هایی تأثیر گذاشته‌اند. آنها بطور طبیعی به تفحص پرداخته‌اند تا کشف کنند که کدامیک از این شقوق مختلف در غرب عملاً توسعه یافته است. آنچه توجه آنها را جلب کرده است نفوذ طولانی خارق‌العاده یک شق ساختاری است - همان شقی که بعنوان بنیان‌گرایی کلاسیک شناخته می‌شود. - این بنیان‌گرایی ممکن است بعنوان نظریه‌ای بر ساخته از سه امر مختلف دسته‌بندی شود. یعنی نظریه عقلانیت، نظریه معرفت و نظریه علم یقینی. در بنیان‌گرایی کلاسیک علوم ما به نظری و بدیهی تقسیم می‌شود که تمامی علوم نظری (یا اکتسابی) بنحوی منطقی و براساس قوانین منطقی مبتنی بر علوم یا دانسته‌های بدیهی هستند. و دانسته‌های بدیهی نیز خود از جایی اخذ نشده‌اند بلکه فی‌نفسه معلوم انسان قرار می‌گیرند. اغلب فلاسفه بر این توافق هستند که این شق ساختاری یعنی بنیان‌گرایی کلاسیک سنت معرفت‌شناسانه غالب را در غرب تشکیل داده است. و

نام کتاب: ایمان و عقلانیت (عقل و اعتقاد به خدا)

Faith and Rationality (Reason and Belief in God)

Alvin Plantinga and Nicholas Wolterstorff

ویراستاران: آلون پلانینگا و نیکولاس والترستورف

ناشر: انتشارات دانشگاه نوتردام

تاریخ انتشار: ۱۹۸۳

تعداد صفحات: ۳۲۱

محل ناشر: آمریکا؛ نوتردام

## توضیح سایر مجلات درباره کتاب

هرکس که در الهیات پویشی یا در علم و دین کار می‌کند به این کتاب به عنوان بدیلی تام و مبارز بجای تفاسیر دیگر تکاملی نیاز دارد. این کتاب جنگلی غنی و انبوه از مفاهیمی است که بدقت نقشه‌کشی شده است و به وضوح علامت‌گذاری گردیده است. (مجله آفاق Horizons)

## خلاصه مقدمه ویراستاران

این کتاب زنجیره‌ای از تحقیقات تحت عنوان ایمان و عقل است. ولی از این نوع بررسیها و از این نوع کتاب زیاد وجود دارد. چه چیزی باعث تمایز این کتاب می‌گردد؟ تقریباً از ابتدای مسیحیت واکنشهایی درباره این عنوان وجود داشته است. واکنشهایی که تحت تأثیر یهودیت و فلسفه یونانی بوده است. حال پس از اینهمه سال بحث و مجادله، چه چیزی توجه انسان را به این بررسیهای افزونتر درباره این عنوان



آنچه اکنون باید افزود این است که اغلب فلاسفه‌ای که این شق خاص را بدقت بررسی کرده‌اند آن را ردّ نموده‌اند. و اکنون دیگر هیچ فرقی نمی‌کند خواه بعنوان نظریه‌پذیرش عقلانی باشد، یا نظریه معرفت یا نظریه علم یقینی.

تحقیقاتی که در این کتاب می‌آید - مخصوصاً آنها که توسط آلستون، ماوژدز، پلاتینجا، و والتراستورف نوشته شده است - در فضای این پیشرفتهای جدید در معرفت‌شناسی نوشته شده است. تا این زمان تقریباً کاوشی درباره اهمیت این پیشرفتهای جدید در ادراک و اظهارات ما از اعتقاد دینی نشده است.

چنین کاوشی قلب این تحقیقهاست. عملاً، در چندین نقطه، نظر این دانشمندان به ورای کاوش در معنی این پیشرفتهای معرفت‌شناسی و در فهم ما از اعتقاد دینی می‌رود. آنها در محاوره‌ای عمومی و فرابینان‌گرایانه در معرفت‌شناسی‌ای مشارکت دارند که اکنون جای خود را باز یافته است.

۲- موضوع دومی که تاروپود این تحقیقات را تشکیل می‌دهد مبارزه شاهدگرایانه (evidentialist) در اعتقاد دینی است، مبارزه‌ای که ابتداءً در روشنفکری اروپایی بروز یافت.

روشنفکری سنت و اقتدارگرایی را نفی کرد. و بجایش عقل را که ذاتی هر انسانی است و تبعیت از ندای درون است مبنا قرار داد. عقلی که همه ما در داشتن آن مشترک هستیم. آن صورتی که در دیدگاه روشنفکری درباره مواد دین مفروض شد همان است که می‌توان مبارزه شاهدگرایانه در اعتقاد دینی نامید. این مبارزه دو ادعا را در بردارد. اول آنکه برای هر فرد پذیرش مسیحیت یا هر نوع دیگر از خداگرایی غلط است مگر آنکه برای او عقلاً به اثبات رسیده باشد. ثانیاً برای هر شخص این پذیرش عقلی نیست مگر آنکه باورهای دینی‌اش را بر

مبنای سایر اعتقاداتش مبتنی سازد که به آن باورها حمایت کاملاً مستند اعطا کند. هیچ دینی قابل پذیرش نیست مگر آنکه عقلی باشد، و هیچ دینی عقلی نیست مگر آنکه با شواهد حمایت شود. این همان مبارزه شاهدگرایانه است.

در این کتاب دو تحقیق به این مسأله اختصاص یافته است و در آن دو مبارزه شاهدگرایانه روشنفکری به مبارزه آمده است و مغلوب شده است.

۳- پس از آنکه این مبارزه به محرکه آمد و مغلوب شده موضع متوجه آن در ارتباط بین عقل و ایمان به وسیله سنت بازسازی شده (کالونی) قاره‌ای اتخاذ گردید. پس موضوع سوم که این تحقیقها را دربر دارد آن چیزی است که می‌توان «معرفت‌شناسی کالونی» یا «معرفت‌شناسی بازسازی شده» نامید. ویژگی سنت قاره‌ای کالونی تغییرناگهانی علیه براهین بفتح خداگرایی یا مسیحیت است. یقیناً در ابتدا این سنت در اعطای چنان براهینی که در گستره نهضت روشنفکری عرضه شده مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد نهضتی که تأکید بر اهمیت عقل دارد. بلکه بجای آن در گستره سنت طولانی قرون وسطایی الهیات طبیعی ارزیابی می‌شود.

۴- ماسردن ابراز می‌دارد که در قرن نوزدهم اعتقاد آکادمی‌های انجیلی آمریکایی بر این بوده است که علم اگر بدرستی ارزیابی شود با مسیحیت سازگار خواهد بود. و هر جا این سازگاری دیده نشود ناشی از قصور در بررسیهای علمی است. در بررسیهای علمی، ما تماماً توسط دیدگاههای بنیادین از حیات و واقعیت هدایت می‌شویم. چه بسا یک مسأله علمی بوسیله دو نفر مورد ارزیابی قرار گیرد ولی بعلمت شرایط فکری متفاوت دو نتیجه بدست آورند که هر دو نیز موجه



باشند. موضوع چهارم به پلورالیسم علمی می‌پردازد.

### فهرست مطالب

مقدمه / نیکولاس والترستورف (Walterstorff Nicholas)	۱
عقل و ایمان به خدا / آلون پلانتینجا (Alvin Plantinga)	۱۶
بینگانه جورج آی. ماورودز (George I. Mavrodes)	۹۴
تجربه مسیحی و ایمان مسیحی / ویلیام پی. آلستون (William P. Alston)	۱۰۳
آیا ایمان بخدا می‌تواند عقلانی باشد اگر هیچ مبنایی نداشته باشد؟ / نیکولاس والترستورف	۱۳۵
دوراهی / جورج آی. ماورودز	۱۸۷
بازنگری به اورشلیم و آتن / جورج آی. ماورودز	۱۹۲
فروپاشی آکادمی انجیلی آمریکایی / جورج ماریسین (George Marsden)	۲۱۹
ایمان، عقل و قیامت / دی. هولوردا (D. Holwerda)	۲۶۵
نخایه	۳۱۷

### نظر نهایی

رویکرد جدید غرب به مسائل کلامی و کلام فلسفی دیگر رویکرد استدلال‌های عقلی قدیمی قرون وسطایی که مبتنی بر نتیجه‌گیریهای عقلی محض باشد نیست. این دیدگاه جدید غرب دیگر چنان برداشتی سخت و نفوذ ناپذیر از عقل را نمی‌پذیرد. و نگاه کردن عاقلانه به مسأله جای استدلال عقلی محض را (همچون سنت عقل ریاضی‌وار راسیونالیسم) گرفته است. در این کتاب این رویکرد جدید مورد بررسی قرار می‌گیرد و علت ناتوانی رویکرد قدیم مطرح می‌شود. کارهای فلسفی پلانتینجا، ماورودز، مارسدن و سوئین برن در این جریان جدید عقلانیت عرضه می‌شود. با توجه به این برداشت جدید از عقلانیت مسأله قدیمی ارتباط بین ایمان و عقل دوباره مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. با این نگرش جدید از عقلانیت مسأله

ایمان مسیحی در تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بدیهی است در بخش اعظم کتاب به بررسی و علل اتخاذ این برداشت جدید از عقلانیت پرداخته می‌شود و با نشان دادن بنیادهای جدید از عقلانیت، مسأله ایمان مسیحی مطرح می‌شود. کتاب حاضر برای تمام کسانی که می‌خواهند در زمینه کلام فلسفی در عصر حاضر کار کنند و با زبان استدلالها و روش تجزیه و تحلیل‌های معاصر از مسائل کلامی آشنایی پیدا کنند کتاب مناسبی است و شاید کتابی مبنایی در این زمینه باشد که به محققین این بخش از مسائل فلسفی توصیه می‌شود. کتاب را مجموعه‌ای از مشهورترین متکلمین فلسفی معاصر تهیه کرده‌اند.

نام کتاب: خدا و دین در جهان پسامدرن: پژوهش‌هایی در الهیات پسامدرن



God and Religion in the Postmodern World:  
in Postmodern theology David Ray Griffin. essays

مؤلف: دیوید ری گ

ناشر: سانی

تاریخ انتشار: ۱۹۸۹

تعداد صفحات: ۱۷۵

محل ناشر: آمریکا؛ نیویورک

کاملاً علمی را ارائه می‌کند که مبنایی جدید برای نظامی معنوی و بشریتی صلح مدار فراهم می‌آورد که می‌تواند نظامی‌گری مدرنیته را دگرگون سازد.

گریفین الهیات فرامدرن اصلاح طلبانه و سازنده‌ای را مطرح می‌سازد که به مبارزه با فلسفه غیر سازنده‌ای برخاسته است که خود را فرامدرن می‌نامد و به نسبت‌گرایی و پوچ‌انگاری منجر می‌شود.

#### خلاصه مقدمه مؤلف

با اینکه من امیدوارم این کنکاش مورد توجه متألهین و فیلسوفان دین قرار گیرد ولی ابتداءً برای دو دسته از خوانندگان نوشته شده است: اول مردم برتافته از مدرنیسم که شدیداً به امور دینی و معنوی توجه دارند ولی الهیات سنتی را نا معتبر و الهیات مدرن را نامتناسب می‌دانند، و دوم افراد کاملاً وابسته به مدرنیسم که بعلمت بعضی پیش فرضها مجذوب فرهنگ مدرن شده‌اند و معنویت دینی را همچون الهیات از دست داده‌اند. برای گروه اول، من نوعی الهیات عرضه کرده‌ام که بسیار متفاوت با مکتب‌های دینی سنتی است و همچنین باورها و کاربست‌های بسیار زیادی را در برمی‌گیرد که عموماً توسط متألهین حوزه مدرن نادیده گرفته شده یا منمزل گردیده است. برای دسته دوم، جهان‌بینی‌ای عرضه می‌دارم که سازگارتر از جهان‌بینی جدید و اخلاقاً مفیدتر از آن است.

منظور من از الهیات عکس‌العمل عقلی درباره آنچه که ما، مقدس می‌دانیم است، یعنی درباره آنچه که اهمیت نهایی را فقط بخاطر خودش دارد. این توجه به الهیات متأسفانه در دنیای مدرن کمتر بوده است...

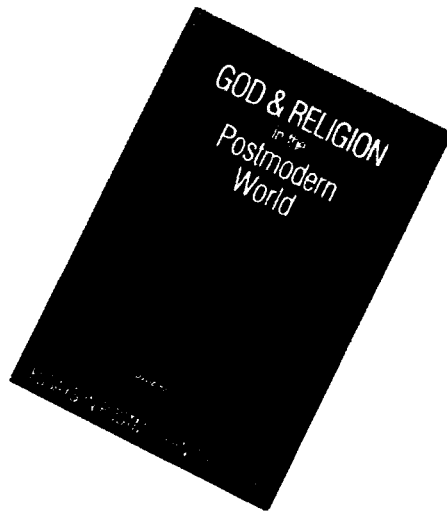
#### توضیح ناشر درباره مؤلف

دیوید ری گریفین استاد فلسفه دین در مدرسه الهیات در کلارمونت (Claremont) است. او همچنین مدیر اجرایی مرکز بررسی‌های پویشی و رئیس هیئت مؤسس حلقه‌ای برای جهان پسامدرن در سانتا باربارا است.

#### توضیح ناشر درباره کتاب

خداشناسی طبیعت‌گرایانه که در این کتاب عرضه شده است ناظر به خوانندگانی است که الهیات لیبرال را تهی می‌بینند و یا آنها که معتقدند یک فرد نمی‌تواند در آن واحد هم دیندار و هم کاملاً عقلی و تجربی باشد. گریفین نشان می‌دهد که دیدگاه فرامدرن تجربی‌تر و عقلانی‌تر از دیدگاه اخیر مادبگرایی نوین است.

این نظریه بازگشتی به فوق طبیعت‌گرایی دوگانه‌انگار مدرن قبلی نیست. مکانیک‌گرایی و حس‌گرایی دکارت و نیوتون سامانی بر سر راه اتحاد واقعی دین و علم بوده است. فرامدرن‌گرایی معرفی شده توسط گریفین الهیاتی عمیقاً دینی و



یکی از ابعاد اصلی عصر فرامدرن، نفی رویکرد مدرن درباره اعتقاد دینی است، که یا حقیقت آنرا بطور ما تقدم و بیکباره انکار می‌کند یا معنی‌داری آن را به حوزه شخصی منحصر می‌کند. آگاهی فرامدرن بر این اعتقاد است که درونیافت‌های دینی حداقل باید همان ارزش‌های حسی، ریاضی و منطقی را در بر ساختن یک جهان‌بینی داشته باشد، و ابراز اینکه بعد خاص دینی از جهان‌بینی مابا زندگی عمومی و همگانی بی‌ارتباط است را نامعقول بدانیم. یک دلیل بر این ادعا اینست که زندگی اجتماعی و شخصی را نمی‌توان واقعاً از هم مجزاً ساخت.

زیر سوال بردن خصوصی سازی دین در اندیشه مدرن ضرورتاً حاکی از تمایلی برای حکومتی دینی یا صورت دیگری از جامعه دینی نیست. این حرکت بیشتر ماقبل مدرن است تا فرامدرن. عدم رضایت فرامدرن از مدرنیت پرشش مشکلاتی را مطرح می‌کند: آیا امکان دارد بسمت صورتی از الهیات حرکت کنیم که از طریق قابلیت‌های ذاتی‌اش پاسخ کاملاً گسترده‌ای را موجب شود که ارزشهای متضمن در آن بتواند جایگزین ارزشهای جهان‌بینی مدرنی شود که بر خط‌مشی اجتماعی حکمفرمایی می‌کند؟

عبارت «از طریق قابلیت‌های ذاتی‌اش» تعیین‌کننده است. بر خلاف الهیات ماقبل مدرن، که توسل نهایی‌اش به مرجع مقتدر بود و انواع مختلف گسستگی و نارسایی تجربی را معذور می‌داشت، الهیات فرامدرن ادعاهایش را برحسب ارتباط درونی‌اش، کفایت تجربی‌اش، و قدرت روشنی‌بخشش برمی‌سازد. این اصل در اینجا برای ارزیابی کلیه نظامهای الهیاتی بالقوه اجتماعی پیشنهاد می‌شود: یک الهیات همگانی

باید توانایی گذر از مذاقه اجتماعی را داشته باشد. و گذر از مذاقه همگانی همان گذر از آزمون‌هایی است که کمابیش آشکارا برای محاسبه میزان پذیرش اجتماعی کاربری دارد: آیا این محاسبه خود سازگار است؟ آیا با تمامی واقعیات شناخته شده تطابق دارد؟ آیا چندین واقعیت شناخته شده را با راهی نو و روشنگرانه بهم پیوسته است؟ و (بطور آرمانی) آیا پیشاپیش واقعیات ناشناخته را روشن می‌کند؟

### فهرست مطالب

مقدمه به مجموعه SUNY در اندیشه فرامدرن سازنده ... نه	پیشگفتار .....
۱- مقدمه: الهیات فرامدرن .....	۱
۲- اهمیت انسان بودن: ژرف بینی فرامدرن .....	۱۳
۳- خلاقیت و دین فرامدرن .....	۲۹
۴- خدا در جهان فرامدرن .....	۵۱
۵- تکامل و خداشناسی فرامدرن .....	۶۹
۶- جانمندانگاری فرامدرن و زندگی پس از مرگ .....	۸۳
۷- نظام روحانی در جهانهای قرون وسطی، مدرن و فرامدرن .....	۱۰۹
۸- امپریالیسم، هسته‌ای‌گرایی و الهیات فرامدرن .....	۱۲۷
یادداشتها .....	۱۴۷
پیوست .....	۱۶۷

### نظر نهایی

کتابی بسیار جالب و جامع درباره اقبال جدید به خدا و دین پس از عصر مدرن است. نویسنده در صدد است تا با نشان



است.

نام کتاب: رنگین کمان ایمانها (گفتگوهای انتقادی درباره کثرت‌گرایی دینی)

THE RAINBOW OF FAITH (Critical Dialogues on Religious Pluralism) John Hick

مؤلف: جان هیک

ناشر: اس.سی.ام پرس لیمیتد

تاریخ انتشار: ۱۹۹۵

تعداد صفحات: ۱۶۰

محل ناشر: انگلستان؛ لندن

#### توضیح ناشر درباره مؤلف

جان هیک پروفیسور سابق الهیات در دانشگاه بیرمنگام و پروفیسور فلسفه دین در مدرسه فرهیختگان کلارمونت در کالیفرنیاست.

#### توضیح ناشر درباره کتاب

جان هیک مدت زیادی بر این نظر بوده است که این درک و برداشت فراگیر که مسیحیت در میان ادیان بزرگ جهانی تنها دین رستگارکننده است نیاز به بازفهمی دارد. او ایمانهای بزرگ جهانی را بعنوان راههای متفاوت ولی (تا آنجا که می‌توانیم بگوییم) هم اعتبار از لحاظ اندیشیدن، تجربه کردن و پاسخ گفتن در زندگی به واقعیت نهایی که آن را خدا می‌نامیم می‌داند. رنگین کمان، که از تجزیه نور خورشید بوسیله آتمسفر

دادن افراطهای مسیحیت قرون وسطی و ما قبل مدرن که عکس‌العمل مدرنیته را در پی داشت، تفریطهای مدرنیته را در جامعه غربی که منجر به مذهب‌گریزی و الحادگردید متذکر شود. و نشان دهد که همین عکس‌العملهای غیرطبیعی و تفریطی چه مشکلاتی را در فقدان دین و خدا در غرب ایجاد کرده و چگونه عطش دوره پسامدرن را به مسائل دینی و الهی دوباره زیاد کرده است. عطشی که ناسازگاریها و ناتوانیها و مشکلات مدرنیته آنرا بوجود آورده است و با چشمه راه‌حلهای قرون وسطایی و ماقبل مدرن سیرابی نمی‌پذیرد. عطشی که بدنبال بازنگری عمیق و دوباره در مفاهیم سنتی و تجزیه و تحلیل واقع‌گرایانه‌تر و بنیادی‌تر در این مفاهیم در جستجوی کسب حقیقت است. این کتاب گذشته از آنکه بازسازی معقول‌تری را از دین و خدا و جهان پس از مرگ و تواناییهای دین در حل مشکلات جامعه عرضه می‌دارد تحلیل بسیار جالبی از کاستیها، ناسازگاریها و عواقب مخرب مدرنیته که دین‌گریزی و الحاد رابه ارمغان می‌آورد می‌باشد و همچنین ضعفها و سطحی‌نگری‌های مسیحیت قرون وسطایی را بخوبی مطرح می‌کند. بنظر اینجانب کتاب فوق‌کتابی بسیار جالب جهت استفاده دانش پژوهان ایرانی است تا تحلیل مناسبی از عصر فرامدرن را داشته باشند مخصوصاً که متأسفانه بعضی از متفکرین ما در فضای مدرن زندگی می‌کنند و هنوز باورهای غلط این عصر را حال و هوای فعلی جهان می‌دانند. کتاب حول مسائل عمده انسان و انسانیت، خلقت عالم، دین باوری، مفهوم خدا، مشکل تکامل، زندگی پس از مرگ، معنویت‌گرایی و مسائل اخلاقی در جهان معاصر بحث می‌کند. این کتاب توسط نگارنده این سطور در حال ترجمه



است. ساختار الهیاتی که توسط کلیسای غربی توسعه یافته است بنظر تهی و نامناسب با اکثریت غربیان می‌رسد و همچنین بعنوان امتداد استیلای فرهنگی غرب، برای بسیاری مسیحیان در آفریقا، هند، چین و بطور کلی شرق غریبه و اجنبی می‌نماید.

جنبه‌های چندی برای این بحران وجود دارد، و این کتاب با یکی از این جنبه‌ها سروکار دارد، یعنی این طرز تفکر گسترده که مسیحیت تنها دین برحق در میان ادیان بزرگ جهان است. یهودیت، اسلام، هندوئیسم و بودیسم اکنون برای بسیاری متفاوت می‌نمایند ولی، با ثمراتشان در زندگی انسانی بر این داوری هستند که تمامی آنها پاسخهای هم اعتباری به خداوند، الوهیت، امر غایی و امر واقعی هستند. چنین پذیرشی از کثرت‌گرایی دینی (بطور ضمنی نه صریح) نیاز به بازاندیشی جزئیت‌هایی را ایجاب می‌کند که متضمن تفوق دینی مسیحیت نه تنها برای مابلیکه برای نسل بشری نیز است و وقتی چنین امری اتفاق افتد، مسیحیت و ایمان واقع‌گرایانه مسیحی و ارزشهای عقلی می‌تواند امکان گفتگو و سخن گفتن با مسائل عمیق مذهبی که در میان جمعیت غربی وجود دارد را بیابد.

گستره دامنه‌داری از فهم پلورالیسم دینی وجود دارد، و در سخنرانی‌های سال ۱۹۹۴ در آموزشگاه اتحاد الهیاتی در نیویورک، از من خواسته شد تا به انتقادهایی که به نوع خاصی از پلورالیسم دینی که خود از آن دفاع کرده‌ام پاسخ گویم. در این نوع پلورالیسم دینی ایمانهای بزرگ جهانی متفاوت هستند ولی طرّوق هم اعتباری از تصوّر، تجربه و پاسخ به واقعیت نهائی که ما خدا می‌نامیم وجود دارد. در این کتاب این طرز

زمین به طیف‌های خیره‌کننده‌ای از رنگها حاصل می‌شود، تمثیلی برای تجزیه نورالهی بوسیله فرهنگهای دینی انسانی است.

این تصور در بسیاری حوزه‌ها مورد استقبال قرار گرفته است، ولی در بعضی محدوده‌های دیگر بسختی به نقد کشیده شده است، و جان هیک در این کتاب جدیدش می‌کوشد تا به این نقدها پاسخی ارائه نماید. او چنین کاری را به صورت یک گفتگو با یک فیلسوف (به عنوان Phil) و با یک متکلم (به عنوان Grace) انجام می‌دهد.

در این کتاب ابتداء مقدمه‌ای بر مباحثه کلامی و فصلی باز که نظریه پلورالیستی جان هیک را مطرح می‌کند آورده شده است، سپس گفتگو آغاز می‌گردد. در فصلهای متوالی این گفتگو به نقدهای فلسفی پلورالیسم دینی نظر می‌اندازد؛ همان دیدگاهی که معتقد است امر واقعی در ورای سیستمهای تصویری انسانی، بر حلول، تجسد، بی‌همتایی، رستگاری، رسالت و گفتگو مبتنی است. فصل انتهایی نیز مسیحیتی را به تصویر می‌کشد که خود را تنها دین حق در میان سایر ادیان می‌داند. تمامی ایمانهایی که با این رهیافت جان هیک مساعدت یافته‌اند این روشنگری بیشتر را بخوبی استقبال خواهند کرد؛ آنها که هنوز باید به رسیدگی خویش پردازند یا بیندیشند که بشدت مورد اعتراض هستند و موقعیتی جدید می‌یابند که نه تنها به بررسی دیدگاههای او پردازند بلکه به بازبینی نظرات خویش پردازند.

#### خلاصه مقدمه مؤلف

در انتهای قرن بیستم مسیحیت در بحران عمیقی قرار گرفته



تفکر مورد نقد قرار گرفته است که من این نقدها را از زبان یک فیلسوف که Phil نامیده‌ام و از زبان یک متکلم که Grace نامیده‌ام مطرح شده و من به دفاع از آنها برخوام خواست.

### فهرست مطالب

پیشگفتار	۸
مقدمه: درباره جدل کلامی	۱
۱- نظریه کثرت‌گرایانه	۱۱
شروع از سطح مبنایی	۱۱
رستگاری	۱۶
ادعاهای حقیقت	۲۳
پاسخ کثرت‌گرا	۲۷
۲- فرامردن‌گرا و انتقادهای دیگر، و تعارض ادعاهای حق	۳۱
کثرت‌گرایی بعنوان امپریالیسم عقلی غربی	۳۱
کثرت‌گرایی دینی ماقبل مدرن	۳۴
انتقاد فرامردن‌گرا	۳۷
کثرت‌گرایی بعنوان همگن کردن	۴۰
ترک ادیان بهمان صورت که هستند؟	۴۱
کثرت‌گرایی باخویش فهمی هر دین در تعارض است	۴۵
ادعاهای کثرت‌گرا درباره نقطه تفوق ممتاز	۴۹
ادعاهای حق و اسطوره‌ها	۵۱
تعارض با اعتقادات متافیزیکی	۵۲
تعارض با ادعاهای حق تاریخی	۵۵
۳- امر واقعی، وصف‌ناپذیری و معیار	۵۷
وصف‌ناپذیری امر واقعی	۵۷
امر واقعی بعنوان خالی و زائد	۶۵

پس چرا امر واقعی مسلم فرض می‌شود؟	۶۷
اما چرا فقط یک امر واقعی؟	۶۹
واقع‌گرایی و معادشناسی	۷۱
معیار	۷۶
رستگاری اجتماعی / رهایی بخشی	۷۹
۴- تجسد و بی‌همتایی	۸۳
خلاصه تا اینجا	۸۳
بیرون کلیسا، هیچ رستگاری	۸۳
ادعای مسیحیت درباره برتری بی‌همتا	۸۶
حلول و تجسد	۹۰
مسیح بعنوان انسان سراسر روح	۹۱
پسر خدا	۹۳
خدایی که نمی‌داند خداست	۹۵
دو طبیعت، الوهی و انسانی	۹۸
خدایی ماخن مسیح برای توجیه شرور تاریخی بکار می‌رفته است	۹۹
تمثیل / اسطوره خدای متجسد	۱۰۱
۵- رستگاری، تبلیغ و مناظره	۱۰۴
امرواقعی بعنوان خداوند مسیحی تغییر شکل یافته	۱۰۴
رستگاری‌های متفاوت	۱۰۶
ادیان بزرگ و کوچک و جدید دیگر	۱۰۸
دوبرداشت از رستگاری و مسیحیت	۱۱۱
تبلیغ مسیحی	۱۱۶
گفتگو	۱۲۰
۶- مسیحیتی که خود را بعنوان تنها دین برحق در میان سایرادیان می‌بیند	۱۲۵
خصوصیت متغیر مسیحیت	۱۲۵





و مناظره با مسیحیت را بوجود می‌آورد. و این دیدگاه او با نشان دادن ابهامهای موجود در بعضی عقاید مسیحی مثل تجسّد مسیح، پسر خدا بودن او و... همراه است و بعضاً این اعتقادات زیر سؤال برده می‌شود. بهر حال نظر به اینکه این کتاب تقریباً یکی از آخرین کتابهای نوشته شده در پلورالیسم دینی است در این زمینه می‌تواند مورد استفاده محققین قرار گیرد.

**نام کتاب:** خدا باوری، الحاد و جهان‌شناسی مهبانگ  
Theism, Atheism and BigBang Cosmology  
William Lane Craig / Quentin Smith.

**مؤلفان:** ویلیام لین کریگ و کوانتین اسمیت

**ناشر:** کلارندان پرس، آکسفورد

**تاریخ انتشار:** ۱۹۹۵

**تعداد صفحات:** ۳۴۲

**محل ناشر:** آمریکا، نیویورک / انگلستان، آکسفورد

#### توضیح ناشر درباره مؤلف

ویلیام لین کریگ محقق دیداری فلسفه در دانشگاه کاتولیک لُن (بلژیک) است از دیگر تألیفات او برهان جهان‌شناختی کلام است کوانتین اسمیت پروفیسور فلسفه در دانشگاه میشیگان غربی است.

#### توضیح ناشر درباره کتاب

علم معاصر نظریه قابل توجهی را بر ما عرضه کرده است و آن اینکه عالم در حدود پانزده میلیارد سال پیش با انفجاری بزرگ و ناگهانی که به آن «مهبانگ» (Big Bang) گفته می‌شود

دیدگاهی از سال ۲۰۵۶..... ۱۳۴  
روحانیت در عصری کثرت‌گرا..... ۱۳۹  
پیوست ۱: بعضی سپاس‌ها و توضیحات..... ۱۴۸  
پیوست ۲: بحثهای انتقادی..... ۱۵۱  
نمایه:..... ۱۵۷

#### نظر نهایی

جان هیک از مشهورترین فیلسوفان دین است که کارهای زیادی در رابطه با پلورالیسم دینی انجام داده است کتابهایی مثل Three Faiths - one God سه ایمان - یک خدا براساس این دیدگاه پلورالیستی نوشته شده است که بیشتر ناظر به برقراری امکان گفتگو بین ادیان مسیحیت، یهودیت و اسلام است و همچنین کتاب Problems of Religious Pluralism (مشکلات پلورالیسم دینی) که او تألیف کرده است با پذیرش پلورالیسم دینی به تفضیل در این باره به بررسی پرداخته است. کلیه مطالبی که او درباره دیدگاه خاص خویش از پلورالیسم دینی مبنی بر اعتبار کلیه ادیان ارائه کرده است در سال ۱۹۹۴ مورد نقدهایی قرار گرفته است او در یکی از آخرین کتابهایش یعنی همین کتاب رنگین کمان ایمانها به توضیح و پاسخگویی به کلیه انتقادهایی که به نظر او وارد شده است از دیدگاه هم فلاسفه هم متکلمین پاسخ می‌گوید. این کتاب او که در سال ۱۹۹۵ تألیف شده است بصورت مناظره ترتیب یافته است که دفاع سختی از پلورالیسم دینی است. گرچه پلورالیسم دینی ارائه شده توسط او جهت برقراری امکان زیست صلح‌آمیز ادیان بدون هیچ تمدنی از جانب یک دین تألیف شده است ولی بسط و گسترش دیدگاه او امکان برقراری ارتباط جهت مباحثه



با به عرصه هستی گذاشته است. اما آیا این انفجار توسط خداوند خلق شده است یا اینکه بدون علت پدید آمده است؟ این سؤال که جهان‌شناسی مهبانگ خدااباوری را تأیید می‌کند یا الحاد را، موضوع بحث طولانی مدت بین عامه مردم یا در کتابهای علمی عمومی بوده است، ولی توجه کمی از جانب فلاسفه به این مطلب شده است. این کتاب درصدد است که این شکاف را با مناظره‌ای طولانی بین دو فیلسوف یعنی ویلیام لین کریگ و کورتین اسمیت پرکند؛ این مناظره را هر کدام با دفاع از دو نظریه متفاوت در فصول کتاب که یکی پس از دیگری می‌آید به انجام می‌رسانند. در بخش اول، کریگ استدلال می‌آورد که گذشته بالضرورة متناهی است و اینکه خداوند عالم را خلق کرده است و اسمیت انتقادهای خویش را به این دلایل عرضه می‌دارد. فصل دوم شامل دلایل اسمیت است که جهان‌شناسی مهبانگ با خدااباوری ناسازگار است و اینکه مهبانگ هیچ علتی نداشته است، و همچنین شامل انتقادهای کریگ به دلیل اسمیت است. بخش سوم تفاسیر متفاوت این دو فیلسوف را از جهان‌شناسی کوانتم جدید هاوکینگ (Stephen Hawking) و نسبت آن با خدااباوری ارائه می‌کند.

#### خلاصه مقدمه مؤلف

در سائهای اخیر مسأله فرضیه مهبانگ [ (Big Bang) انفجار بزرگ آغاز عالم ] بسیار مورد توجه بوده است و فیزیکدانهایی که به این بحث پرداخته‌اند معمولاً مدلولات خداشناسانه آنرا مورد نظر قرار داده‌اند. چون اغلب این کتابهای نوشته شده، توسط فیزیکدانهایی بوده است که تسلط زیادی بر استلزامهای

فلسفی مسائل مطرح شده ندارند؛ لذا عمق فلسفی خوبی نداشته است. از طرف دیگر فیلسوفانی هم که در این باره به بحث می‌پردازند اغلب آشنایی کاملی با مسائل فیزیکی مهبانگ ندارند. همین مسأله شکافی را بین این دو بخش درباره این سؤال که «آیا خداوند مهبانگ را آفریده است؟» شده است. کتاب حاضر درصدد است تا این شکاف را تا اندازه‌ای با مناظره‌ای علمی بین یک مدافع دیدگاه خدااباورانه و یک مدافع دیدگاه الحادی (یعنی کریگ و اسمیت) که به استلزامهای فلسفی نظریه کلاسیک و کوانتمی مهبانگ می‌پردازند پر کند. نظر اصلی، این است که راه حلی را که به همه مسائل علمی توجه دارد از این بحث جهان‌شناسی با براهین بخوبی پرورده شده فلسفی در هم آمیزد و طی یک مناظره دو طرفه نسبت این نظریه‌ها را با پرسش وجود خداوند در فلسفه دین بررسی کند.

ساختار کتاب متشکل از کاوشهای یکی پس از دیگری و مناظره گونه بین کریگ و اسمیت است که هریک دیگری را نقد کرده و معمولاً پس از نقد مطلب پاسخ نقد بسط و توسعه و تکامل مطالب قبلی خواهد بود.

بخش اول مربوط به استدلال کریگ درباره «برهان جهان‌شناختی خدااباورانه» است، او سعی می‌کند که در پرتو جهان‌شناختی جدید و برهان سنتی اثبات وجود خدا مبتنی بر تناهی گذشته عالم فرمول‌بندی جدیدی را ارائه کند. در مقابل اسمیت نظر او را نمی‌پذیرد. در این بخش آنچه که مورد توافق طرفین است نظریات علمی مربوط به فرضیه مهبانگ است که عالم ۱۵ میلیارد سال پیش با انفجاری بزرگ بوجود آمده است. ولی آنچه این دو بر سر آن توافق ندارند دو مسأله است: اول

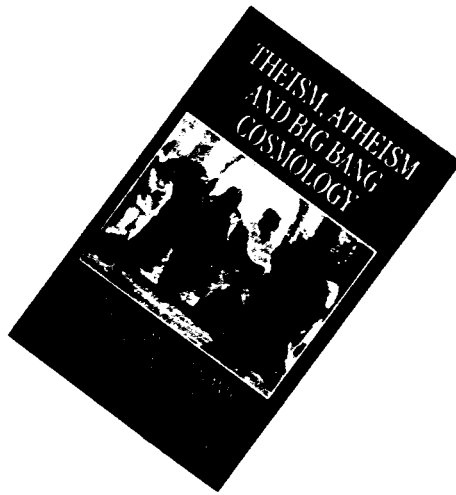


نتیجه بدیل مناسبی برای خدا باوری نیست. و اسمیث دلیل می‌آورد که این نظریه استلزامهای فوق را ندارد. بخش سوم ادامه و جبران‌کننده مباحث بخش اول و دوم است. این کتاب هم مسائل تکنیکی بحث علمی مهبانگ را دربردارد و هم مسائل غیر تکنیکی آن را. کریج و اسمیث بخشهایی را برای توضیح بعضی مسائل فنی اختصاص داده‌اند که در کتاب موجود است، به هر حال بحث فلسفی آن زیاد تحت‌الشعاع مسائل تکنیکی نیست.

#### نظر نهایی

ویلیام لین کریج در کتاب دیگرش بنام *برهان جهان‌شناختی* کلام، از نظر غزالی و کندی در حدوث عالم استفاده می‌کند و با توجه به نظریات جدید کانتور، در باب عدم امکان بینهایت زمانی برای اشیاء موجود دلیل می‌آورد. پس چون باید عالم شروعی داشته باشد باید خالق آن را بوجود آورده باشد. در این کتاب وی با توجه به نظریه مهبانگ (انفجار اولیه عالم) استدلالی بر تناهی عالم و در نتیجه داشتن مُحدثی برای آن عرضه می‌دارد. بنظر اینجانب اینگونه برخورد کردن با مسأله وجود خداوند و جستجوی او در سرآغاز عالم تبعات فلسفی خوبی را ندارد زیرا در خصوص ارتباط فعلی خداوند با جهان ساکت است. این مطلب فلسفی که مدتها محل بحث بین متکلمین و فلاسفه بوده است و نظر فلاسفه مخصوصاً ملأصدرا، مستقل از نظریه‌ها و فرضیه‌هایی همچون مهبانگ و ترمودینامیک است و تمام عالم را جلوهٔ همیشگی خداوند نشان می‌دهد و طرح اینگونه برخوردها با مسأله مهمی همچون اثبات وجود خدا مشکلاتی را مثل همان که در کتاب

آنکه کریج براساس نظریه کانتور از بی‌نهایت بر این باور است که گذشته ضرورتاً متناهی است ولی اسمیث معتقد است که امکان دارد بی‌نهایت هم باشد (اگر چه شاید متناهی) این مسأله در فصول یک، دو و سه بحث می‌شود. مسأله دوم آنکه آیا اعتقاد به اینکه مهبانگ علتی دارد معقول است (موضوع کریج) یا اینکه نداشتن علت معقول است (موضع اسمیث) این مطلب نیز در فصول یک، چهار، پنج و شش بحث می‌کند. بخش دوم که برهان الحادی جهان‌شناختی است به موضع اسمیث در مورد عدم وجود خداوند مربوط می‌شود که فصول ۷ تا ۱۰ به مناظره او با کریج درباره این مطلب مربوط می‌شود. در این بخش اسمیث دلیل می‌آورد که منحصر بفرد بودن مهبانگ واقعیتی فیزیکی است که قبلاً توسط اندیشه‌ای الهی برنامه‌ریزی نشده بوده است که در آینده به جایی برسد، پس عملی عقلانی نبوده است. کریج استدلال می‌آورد حتی اگر مهبانگ واقعیتی فیزیکی باشد می‌توانسته قابل پیش‌بینی توسط خدا باشد (و اینکه خداوند می‌دانسته که نتیجه آن بکجا می‌انجامیده است). بخش سوم مربوط است به نظریه جدید هاوکینگ که در دهه ۱۹۸۰ بصورت جهان‌شناسی کوانتمی ارائه شده است (در فصلهای قبلی بیشتر به نظریه‌های سنتی مهبانگ پرداخته شده است) کریج دلیل می‌آورد جهان‌شناسی کوانتمی هاوکینگ بدیل مناسبی بجای خدا باوری نیست در حالیکه اسمیث برخلاف آن نظر دارد. بیشتر این مناظره به تفسیر نظریه هاوکینگ می‌گذرد که آیا این نظریه حتی معنای فیزیکی درستی دارد یا خیر. کریج دلیل می‌آورد که نظریه هاوکینگ (مشمتمل بر مفاهیم زمان خیالی، شکافت جهانها، فوق مکان بینهایت بُعدی و...) از لحاظ فیزیکی غیر معقول است و در



## فهرست مطالب

### بخش اول / برهان جهان‌شناختی خداپاورانه

- ۱- تناهی گذشته و وجود خداوند / ویلیام لین کریگ ..... ۳
- ۲- عدم تناهی و گذشته / کورتین اسمیت ..... ۷۷
- ۳- زمان و عدم تناهی / ویلیام لین کریگ ..... ۹۲
- ۴- آغاز بی‌علت عالم / کورتین اسمیت ..... ۱۰۸
- ۵- آغاز معلول عالم / ویلیام لین کریگ ..... ۱۴۱
- ۶- نقدی بر براهین ماتقدم و ماتأخر برای علتی مختص مهبانگ / کورتین اسمیت ..... ۱۶۱

### بخش دوم / برهان جهان‌شناختی الحادی

- ۷- خداپاوری، الحاد و جهان‌شناسی مهبانگ / کورتین اسمیت ..... ۱۹۵
- ۸- خداپاوری و جهان‌شناسی مهبانگ / ویلیام لین کریگ ..... ۲۱۸
- ۹- دفاع از برهان جهان‌شناختی برای عدم وجود خداوند / کورتین اسمیت ..... ۲۳۲
- ۱۰- نقدی بر برهان جهان‌شناختی برای عدم وجود خداوند / ویلیام لین کریگ ..... ۲۵۶

### بخش سوم / خداپاوری، الحاد و جهان‌شناسی کوانتم هاوکینگ

- ۱۱- (پس، چه جایگاهی برای یک خالق است؟): هاوکینگ درباره خدا و خلقت / ویلیام لین کریگ ..... ۲۷۹
- ۱۲- تابع موج جهانی بی‌خدا / کورتین اسمیت ..... ۳۰۱
- پیوست ..... ۳۳۸

خداوند براهین صرف فلسفی نتیجه بخش‌تر هستند. به هر حال آشنایی با کتاب بعنوان آخرین برخوردهای دینی غرب با یک فرضیه علمی بسیار خوب است.

#### پی‌نوشت

لازم به یادآوری است که چهار کتاب انگلیسی پیشین توسط جناب آقای دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی معرفی شده است.

در مواجهه با فرضیه مهبانگ پیش می‌آید بوجود می‌آورد (درست مانند همان که در برهان نظم دانشمندان علوم تجربی بوجود آوردند). این مشکل مسأله را در نهایت بصورت جدلی‌الطرفین و یک نظریه با دو برداشت و تبیین متفاوت دچار می‌کند. لذا بنظر اینجانب استفاده از کتاب در حد آشنایی با استلزامات فلسفی یک نظریه علمی و برداشت‌های دینی که از این مسأله کرده‌اند مناسب است و الا انکاء به آن بعنوان برهانی بر اثبات وجود خداوند ضعیف است. در اثبات وجود

## چهارگزارش از تذکرة الاولیاء

نویسنده: بابک احمدی

چاپ اول: ۱۳۷۶

تیراژ: ۳۰۰۰۰

ناشر: نشر مر

تعداد صفحه: ۲۳۴

بها: ۹۸۰ تومان



چهارگزارش از تذکرة الاولیاء عطار حاصل چهار بار خوانش متن است، که به گفته گزارشگر متن فقط شرح بی خویشی آن عارفان و سودای کشف آن شکل دیگر اندیشه نیست، بلکه مهمتر از آن نشانه عشق به زبان مادری است؛ زبانی که تذکرة الاولیاء اوج توانایی هایش را نشان می دهد. و هدف گزارشگر خلاصه اینست که «خواننده چون این رساله را بست، تذکرة الاولیاء را بگشاید و در زبان ساده و بیان موجز و اعجاز آمیزش چیزی بیابد که با دانسته های پیشین او همخوانی نشود.»

هدف گزارشگر اول شرح و مقایسه بی خویشی عارفان و دوم توصیف تذکرة اولیاء است که در این چهار گزارش نمایان است. به طوری که سه گزارش یک و دو و چهار به بی خویشی عارفان می پردازد و گزارش سوم وارد قلمرو زبان می شود. گزارش نخست، به دلالتها در متن می پردازد و هدف آن کشف نشانه های زندگی هر روزه آدمی و فهم پیشینه تاریخی این نشانه ها است. گزارش دوم هم به معناهایی می پردازد که فهم شان در چارچوب دلالتهای متن برای مردم آن دوران ممکن بوده است و هدف گزارش سوم زبان جادویی متن و تازگیها و ویژگیهای سبک و توان روایتگری عطار است. و گزارش چهارم به گفته گزارشگر «آرزوی دیرین دست یافتن به معناهای باطنی و رازهای نهفته در متن است». گزارشگر اعتراف می کند که همواره مجذوب تقابل منطق عارفان با خردبارری جدید بوده است و اذعان دارد که آثار دیگرش همواره به این دو گونه کازبرد عقل توجه داشته است. « و در

این راه از تاریخ دیوانگی میشل فوکو یاریها گرفته است.» و باز اعتراف می کند که «نه می خواهد و نه می تواند ستایشگر منطق غیر نقادانه ی سخن عرفانی باشد.» همان طور که بیشتر ذکر شد دل بستگی اش به متن به دلیل زبان جادویی آن و سودای کشف این اندیشه است. در صورتی که اگر انسانی خردبار، به معنای جدید آن باشیم، پس «آن گرسنگان اندوهگین و آن تشنگان عدالت و دوستی چه پیامی دارند؟» و طبیعی است که میان تفکر گزارشگر و تفکر حاکم بر متن شکافی پدید می آید. به طوری که این دو نوع تفکر فرسنگها از یکدیگر دور می شوند و چون هیچ نقطه مشترکی با یکدیگر ندارند از هیچ لحاظ هم قابل مقایسه نیستند. پس ادعای گزارشگر مبنی بر کشف شکل دیگری از اندیشه و کشف رازهای موجود در متن، نمی تواند صحت داشته باشد. حتی اگر اندیشه مؤلف را نادیده انگاریم نمی توانیم نسبت به شرایط تاریخی متن بی اعتنا باشیم. همان طور که گزارشگر نیز اذعان کرده است در کشف نشانه های هر روزه ناگزیر از شناخت و درک تاریخی این دلالتها هستیم. پس نمی توان آفرینش متن را در خلأ فرض نمود. از آنجا که فوکو در تبارشناسی اندیشه ها، تاریخ اندیشه را به دوران های مختلفی تقسیم کرده است، و در این میان از تاریخ دیوانگی نیز سخن به میان آورده است، به نظر می رسد هیچگاه با تاریخ دیوانگی نمی توان به سراغ این گرسنگان اندوهگین و تشنگان عدالت رفت. حتی اگر تذکرة الاولیاء تا این حد از منطق مکالمه دور افتاده باشد که علتی جز تعلق به نظام و پایگان خانقاهی و منطق و سخن آن نداشته باشد که در اینجا، علت تامه شمردن این وابستگی نمی تواند برای تمامی شخصیتهایی که در این کتاب مطرح گردیده اند مصداق داشته باشد و این حکم کلی برای تمامی این شخصیتها درست نیست.

فوکو در تاریخ دیوانگی، به شرایط تاریخی ظهور خرد ویی خردی در قرن هفدهم می پردازد و قبل از ورود به این بحث یادآور می شود که در سده های میانه، میان خرد و بی خردی یا عقل و جنون تمایزی قایل نمی شوند، بر خلاف قرن هفدهم که این تمایز آشکار می شود یعنی مجانبین و دیوانگان هر چند

مورد بی مهری و تمسخر قرار می‌گرفتند، اما جامعه آنها را از زندگی اجتماعی بیرون نمی‌راند و مؤسسه و سازمانی در میان نبود تا آنها را در آنجا نگهداری کنند. یعنی تا اواخر رنسانس، میان خرد و دیوانگی حدفواصل قاطعی وجود نداشت. در همین زمان بود که با احداث تیمارستان جامعه نشان داد که دیگر تاب تحمل نابخردی و جنون را ندارد. در واقع از قرن نوزدهم هم به بعد دیوانگان موجوداتی مضر به حال جامعه تلقی می‌شوند و به همین دلیل در محیط‌هایی گردآوری و نگهداری می‌شوند. این مجملی از نظریه فرکو در تاریخ دیوانگی است. آیا همان‌گونه که گزارشگر تصریح کرده است که «در این راه از تاریخ دیوانگی میشل فوکو یاری‌ها گرفته است». می‌توان نظریه فوکو را با این نظریه که «آنان که هیچ نمی‌خواستند مگر زندگی در جهانی دیگر و رضای خدایشان راه مقایسه نمود. اصولاً این دو جهان‌بینی آن قدر از یکدیگر دوراند که نمی‌توان به مقایسه میان این دو پرداخت و اگر با این ذهنیت به مطالعه متن پردازیم تنها زبان جادویی کتاب ما را به آن نزدیک خواهد کرد و از دیگر سو، از منطق سخن عارفانه آن فاصله خواهیم گرفت و جنگی که در این رساله برپاست تا آن جاکه مربوط به زبان و تحقیق در منابع می‌شود، نمی‌تواند چندان جدید به نظر آید، زیرا نویسندگان پیشین در آثار مربوط به عطار تا حد زیادی به این امر پرداخته‌اند. اما در مورد منطق سخن عارفانه و مقایسه آن با خردباوری جدید باید گفت هر چند در تحلیل این داستانها نمی‌تواند چندان کار آمد باشد، اما نگاه جدیدی به متون کلاسیک مناسب به طوری که گزارشگر در تحلیل داستان سمنون با آن مواجه گردیده است، (ص ۴۵) سؤالیهای گزارشگر از متن نیز ناشی از همین طرز تلقی است و همان‌طور که خود گزارشگر اذعان می‌دارد عطار از پیش شرط کرده که در پی شرح و تفسیر نیست، پس به پرسشهای ما پاسخ می‌دهد. اگر با این نگاه بنگریم نمی‌توان بسیاری از این داستانها را تفسیر کرد. در متن تذکره آمده است: «حق تعالی هر که را خواند نه به علت خواند و چون راند نه به علت راند. تو ای ذوالنون! فارغ باش که کار فعال لمایرید به قیاس عقل تو راست نیاید.» پس هر چه کنیم این روایات با عقل امروزین ما

سازگار نیست.

گزارش سوم از متن حاوی نکات جالب توجهی درباره زبان عطار است. زبان تذکره الاولیا را زبانی می‌داند که «منش اصلی نثر روزگار سامانی را دارد و برای روزگار خود شاید کمی کهنه به نظر می‌رسد. هدف عطار رساندن پیام به مردم عادی بود، و تأثیر گذاشتن بر دل‌های آنان» و سعی در نشان دادن گذر از زبان تمثیلی به زبان نمادین دارد.

گزارشگر درباره زبان می‌گوید: «تذکره الاولیا کتابی است که در آن به مسئله زبان، بیانگری و حدود صدق آن اشاره زیاد شده است.» یا در جای دیگر «تذکره الاولیا کلام محور است. در آن مدام گفتار حضوری و زنده از نوشتار برتر دانسته شده است.» و با «از یاد نبریم که تذکره الاولیا بیشتر درباره کلام گفتاری پارسایان است، که دیدیم شماری از آنان خواندن و نوشتن نمی‌دانستند و با نوشتار بیگانه بودند». (صص ۴ - ۱۲۳) و از این سخنان نتیجه می‌گیرد که: «مگر نه این که عطار خود ناگزیر از نوشتن گفته‌ها شده بود و در جریان نوشتن میان گفته‌ها و کردارها همانندی یافته بود و این هر دو را موضوع تفسیر و تأویل خود کرده بود؟» و این‌که راهی جز کلام مکتوب نیافته بود تا این حکایات را به نسل‌های بعد برساند. «پس چرا این همه او را در مورد تمایزی که میان نوشتار و گفتار قابل شده بود به تردید نینداخت؟» این سؤال یکی از سؤالیهای اساسی در مورد متن است که باید در جهان‌بینی عارفان به این سؤال پاسخ گفت. امید است که اثری مستقل در بررسی جهان‌بینی عارفانه و عارفان تذکره الاولیا منتشر شود تا به دور از پیش فرضها بتوانیم به گوهر متن دست یابیم.

این کتاب، نگاهی جدید به متون کلاسیک ماست و می‌تواند سرآغاز راهی برای نگاههای جدید به متون گذشته باشد. دیگر پری روی این متون تاب مستوری در شرح «مشکلهای» و «تصحیحهای» بی‌فایده ندارد. آری زمان آن رسیده است که متون گذشته را با توجه به اندیشه‌های نگارندگان آنان احیاء کنیم.

امیرنصری